
محمد رضا شفیعی کدکنی

رستاخیزِ کلمات

درس گفتارهایی دربارهٔ

نظریهٔ ادبیِ صورت‌گرایانِ روس



انتشارات سخن، تهران

فهرست مطالب

۷	تقدیم‌نامه
۸	در چاپ پنجم
۱۳	گزارش کار
۲۱	زیرِ همین آسمان و رویِ همین خاک
۲۹	همه چیز از فلسفه آغاز می‌شود
۳۴	خاستگاهِ طبیعیِ فرمالیسم
۴۰	ماشین
۴۴	ارگانیزاسیون
۴۵	نظام / سیستم
۴۷	جریان‌های فرمالیسم روسی
۵۲	ریشه‌های فرمالیسم روسی
۵۶	از میراثِ رمزگرایان روس
۵۹	ادبیّت
۶۷	فرم چیست
۸۷	نقشِ کم‌رنگِ تصویرها
۸۷	از رنگ‌آمیزی تا نقش

۳۱۷	نظریه پردازانِ اصلیِ فرمالیسمِ روسی	۹۲	آشنایی زدایی
۳۱۹	ویکتور اشکلوسکی	۱۱۵	از آشنایی زدایی‌های حافظ
۳۲۸	یوری تن‌یانو	۱۲۴	پیام یا نظام؟
۳۳۶	آیخن‌باوم	۱۳۰	رستاخیز کلمات
۳۴۳	ولادیمیر پروپ	۱۳۸	زائوم (به سوی شعری با دلالتِ ذاتی)
۳۴۸	یاکوبسون	۱۴۹	هنر سازه‌ها
۳۵۳	یاکوبسون و علایقِ مجاز	۱۵۵	وجه غالب و انگیزش
۳۵۹	وجه غالب	۱۷۲	حدیثِ حاضر و غایب (اشاره‌ای به مسأله ساختار)
۳۷۱	تحلیل ساختار ادبی	۱۸۴	داستان / پیرنگ
۳۸۶	تکاملِ یک تصویر	۱۹۲	اسکاز
۳۹۴	تکاملِ یک تصویر دیگر	۱۹۸	مایگان (تماتیکز)
۴۰۰	تکاملِ موتیفِ «کوزه‌گر» در شعرِ خیام	۲۰۳	رویاریویِ مارکسیسم و صورت‌نگرایان
۴۰۷	جادویِ مجاورت	۲۰۹	«صورت»، تنها میدانِ تحقیقِ ادبی
۴۲۳	مقدمه‌ای کوتاه بر مباحثِ طویلِ بلاغت	۲۲۰	صورت‌نگرایان و نظریهٔ انواعِ ادبی
۴۳۱	۱. چند نکته در باب علم معانی	۲۳۰	پویاییِ تاریخ و تکاملِ ادبی
۴۳۶	۲. چند نکته در باب علم بیان	۲۴۲	قهرمانِ لیریک
۴۴۲	۳. جلوه‌های خلاق در بدیع فارسی	۲۵۵	ساختارِ ساختارها
۴۵۷	جنون در جدولِ صنایع	۲۶۵	طرح رده‌بندیِ قصه‌های عامیانه
۴۶۳	افزوده‌ها	۲۷۷	جُستاری در قلمروِ مَثَل‌پژوهیِ ساختاری
۴۶۴	۱. مفاهیمِ ساخت و صورت در نقدِ قرنِ بیستم	۲۸۷	نشانه‌شناسی در دورانِ شوروی
۴۹۰	۲. ساختارِ ساختارها در چشم‌اندازی دیگر	۲۹۱	تأثیراتِ جهانیِ صورت‌نگرایانِ روس
۴۹۷	۳. باز هم ساختارِ ساختارها (در ایرانِ ساسانی)	۲۹۵	صورت‌نگرایانِ روس و جرجانی
		۳۰۱	نظر جرجانی در بابِ صورِ خیال

فهرست راهنما ۵۰۳

واژه‌نامه انگلیسی-فارسی ۵۴۱

کتاب‌شناسی ۵۴۷

گزارش کار

عذرخواه عقلِ کُل و جانِ تویی
 جانِ جان و تابشِ مرجانِ تویی
 تافت نورِ صبح و ما از نورِ تو
 در صبحی با میِ منصورِ تو
 مثنوی، ۱۱۰/۱

در سی و چند سال اخیر، هرگز به فکرِ تدوینِ چنین کتابی نبودم و از یادداشت‌هایی که در موضوع این کتاب، سالها و سالها قبل، در اکسفورد و پرینستون، پیش از سقوطِ سلطنت، فراهم کرده بودم، غافل بودم. در مهرماه ۱۳۹۰ روزِ اوّل که به کلاس رفتم، طبقِ معمولِ سنّواتی، نمی‌دانستم که چه درسی باید بدهم. از دانشجویان پرسیدم. گفتند «با دانشجویان دورهٔ دکتری 'تحقیق در ادبیات عرفانی' و با دانشجویان دورهٔ فوق لیسانس درس 'نظریهٔ ادبیات'». گفتم «نظریهٔ ادبیات از ماقبل افلاطون شروع می‌شود و تا ژان بارت و شاگردش خانم ژولیا کریستوا و امثال تودوروف و حتی نسلِ بعد از آنها را زیرِ چترِ خود می‌گیرد. در یک ترم چه می‌توان گفت؟» گفتند «تو در خلالِ بعضی درسهایت از صورت‌گرایانِ روس گاه سخن می‌گویی. در این ترم فقط نظریهٔ ادبی ایشان را به ما درس بده.» پذیرفتم... و با پرسش

زیر همین آسمان و روی همین خاک

سوی شهر از باغ شاخی آورند
باغ و بستان را کجا آنجا برند
بر نمی‌داری سوی آن باغ گام
بوی افزون جوی و کُن دفع زکام
مشوی، ۴۲۸/۱

بی آنکه بخواهم فصلی بر کتاب الأوائِل ابو هلالِ عسکری بیفزایم، با اطمینان می‌توانم بگویم که بحث از صورت‌نگرایان روس را نخستین بار، این جانب، در دانشگاه تهران مطرح کردم. در درس حافظی که به سال ۱۳۵۶ می‌دادم از آراء ایشان، به‌ویژه در حوزهٔ آشنایی‌زدایی و مسألهٔ وَجِهٍ غَالِبٍ و انگیزش بهره‌بردم. همین اصطلاح آشنایی‌زدایی را نیز، در یکی از همان جلسات، ارتجالاً در برابر defamiliarization و بکتور اشکلووسکی پیشنهاد کردم و از همان ایام مورد قبولِ اهل نظر قرار گرفت.

از آن تاریخ به بعد در اغلب نوشته‌ها و کلاس‌هایم از آراء صورت‌نگرایان روس بسیار بهره‌برده‌ام و معتقدم که این نحله از نظریه‌پردازان فرهنگی از مؤثرترین چهره‌ها در حوزهٔ جمال‌شناسی و نظریهٔ ادبیات و بوطیقا بوده‌اند. حتی عقیده دارم که اروپای غربی در

نیمهٔ دوم قرن بیستم، هرچه دارد یا بخش قابل ملاحظه‌ای از آنچه دارد، و جوه دیگری از آراء صورت‌نگرایان روس است که با فرهنگ اروپای غربی و دانش بیکران و خوش سلیقگی‌های امثال ژلان بارت به هم آمیخته است.

نخستین بار که با نام و بعضی حرف‌های صورت‌نگرایان روس آشنا شدم در حدود سال ۱۳۴۵ یا ۱۳۴۶ بود که از زبان پروفیسور محمد نوری عثمانف، نام فرمالیست‌های روس را و اشاره به بعضی از حرف‌های ایشان را به اختصار شنیدم. بعدها در اکسفورد که بودم در سال ۱۹۷۴ یا ۱۹۷۵ در سالنِ Taylorian استادی بود که نظریهٔ ادبی درس می‌داد و من به‌طور آزاد در کلاس‌های درس او حاضر می‌شدم.^۱ ورقه‌ای که روز اول به عنوان فهرست مراجع درس در اختیار ما قرار داد، هنوز در لای کتاب‌های من باقی است. یکی از این مراجع کتاب درخشان و بی‌مانند ویکتور اژلیک بود که با اینکه چاپ اول آن در حدود سال‌های ۱۹۵۵ نشر یافته، هنوز هم جانشینی برای آن در زبان انگلیسی و شاید تمام زبان‌ها نمی‌توان یافت.

برشت، در جایی، نوشته بود که «هرکه با یک 'نظریه' وارد شود باخته است.» راست است و حق است و صدق. هرکه یک نظریه داشته باشد، قطعاً، باخته است و هرکه یک نویسندهٔ ایده‌آل یا یک شاعر ایده‌آل داشته باشد و به جای خواندن همگان، فقط همان

(۱) نام این استاد Siegbert Salomon Prawer است. دوستم استاد محسن آشتیانی، مرا به کلاس این استاد راهنمون شد و کُلّ خیرِ عیندنا من عینده، و هم از استاد آشتیانی شنیدم که او در ۲۰۱۲ درگذشته است. از آثار او، این کتاب در میان کتاب‌های من موجود است:

Comparative Literary Studies, an Introduction, Duckworth 1973.

نویسنده و همان شاعر را بخواند و بپسندد و بزرگ بداند باخته است و سرانجام صورت مکرر همان نویسنده یا همان شاعر خواهد شد، یعنی هیچ و باطل. چه قدر سعدی مکرر، چه قدر صائب مکرر، چه قدر حافظ مکرر در تاریخ شعر فارسی می‌توان یافت که عمر همگان به هدر رفته است و بعد از پنجاه سال شاعری صورت مکرری از همان شاعر مورد ستایش خویش شده‌اند.

ما، در این راه، نمی‌خواهیم تبدیل شویم به یک صورت‌نگرای روس با همهٔ ارزشی که صورت‌نگرایی روسی در تاریخ نظریه‌های هنری و ادبی داشته است و هنوز هم دارد. قصد ما این است که چشم‌اندازی به میراث صورت‌نگرایان روس گشوده شود و بعضی از ظرایف حرف‌های ایشان دربارهٔ هنر و ادبیات در ذهن و ضمیر خوانندهٔ جوان ایرانی حضوری روشن بیابد.

قبل از اینکه این یادداشت را به پایان برم یک خاطره را، که در این مورد روشن‌گر است، نقل می‌کنم: چند سال قبل، وقتی که به دعوت بنیاد فرهنگی ژاپن^۱ در توکیو بودم، و هم اینجا باید از لطف این مردم بزرگوار و فرهنگ‌دوست سپاسگزاری کنم، هرچند با تأخیر، یکی از استادان زبان‌شناسی یکی از دانشگاه‌های ایران، که خود می‌گفت زبان روسی نیز می‌داند، از من خواست تا کتابی برای ترجمه به او پیشنهاد کنم. آن استاد، دورهٔ دکتری زبان‌شناسی را در دانشگاه لندن تمام کرده بود. من همان کتاب فرمالیسم روسی و ویکتور اژلیک را به او معرفی کردم. سال‌ها بعد که جويا شدم معلوم شد کار را آغاز کرده و